

طرح مسئله

پس از قرآن کریم اولین مرجع مهم در شناخت احکام و عقاید، سنت و روایات معصومین (علیهم السلام) است. اعتبار و جاودانگی این ذخیره بزرگ، حقیقتی است که خداوند در آیات مختلف آن را برای مسلمانان ضرورتی قطعی اعلام فرموده است. از سوی دیگر سنن و روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) در طی تاریخ پر فراز و نشیب خود با حوادث و نابسامانی‌های مختلفی روبرو شده که این حوادث بر میزان اصالت و خلوص آن تأثیر گذاشته است، به همین سبب استفاده مناسب از سنن و روایات موجود جزء با فهم حدیث و تمیز سره از ناسره امکان پذیر نخواهد بود. از این رو امامان (علیهم السلام) با توصیه‌های مکرر بر فهم درست روایات و تدبیر و تعمق در معنای حدیث تأکید کرده و محدثان با پافشاری بر فهم صحیح و نقادانه حدیث و پیشگیری از نشر اکاذیب و کج فهمی ها رسالت خطیر خود را در حفظ و انتقال میراث گرانبهای برجای مانده از پیشوایان دین به انجام رسانده و با بکارگیری همه توان خویش در حل و شرح مشکلات حدیث گام‌هایی بلند برداشته اند که در قالبگردآوری و تنظیم و شروح کوتاه و بلند جلوه کرده است. گرچه انگیز، هدف، شیوه و محدوده احادیث گردآوری شده یکسان نبوده است اما در مجموع تلاش محدثان، زمینه حفظ و بقاء آثار شیعه را فراهم آورده است. بر این اساس یکی از راه‌های اعتلای مکتب شیعه معرفی آثار عالمانی است که تلاش خود را در این راه وجهه همتستان قرار داده اند. در این پژوهش سعی شده است روش بحرانی، مؤلف کتاب "عالیم العلوم" در جمع آوری و شرح روایات بررسی گردد لکن با توجه به وسعت مجلدات کتاب و فقدان برخی از آنها به منظور تمرکز بیشتر در این موضوع، جلد بیست و دو کتاب که مربوط به شرح حال و زندگی امام رضا (علیه السلام) می‌باشد، انتخاب شده است.

"عالیم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الاقوال" تألیف شیخ عبد الله بن نورالله بحرانی اصفهانی محدث، فاضل، نقاد و از عالمان قرن ۱۲ هجری است. از شرح حال و تاریخ تولد و وفات وی اطلاعاتی در دست نیست. همچنانکه در بعضی از کتب تراجم از او یادی نکرده اند و در تراجم قرن حاضر نیز درباره او اطلاعات محدودی ثبت شده است؛ تنها از مقدمه طولانی وی در کتاب عالیم می‌توان دریافت که وی از شاگردان علامه مجلسی - متوفی ۱۱۱۱ ق- بوده است و هنگام تألیف بحار همکار مجلسی بوده و نزدیک بیست سال بر

گونه‌شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو

چکیده

عاطفه زرسازان^۱

بحرانی صاحب تأثیف "علیم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الاقوال" از محدثان شیعه و هم عصر علامه مجلسی بوده است. این کتاب مستدرک بحار الانوار و مجموعه حدیثی بزرگی است که مجلدات آن به صد جلد می‌رسیده است. در این میان جلد بیست و دو کتاب در موضوع شرح حال امام رضا (ع) نگارش شده است. در این نوشتار سعی شده است پس از ارائه سبک کلی و ذکر امتیازات کتاب، روش بحرانی در تبیین احادیث بیان گشته و در نهایت به بررسی روایات از حیث سند، پرداخته شود. رهارود این پژوهش معطوف به این حقیقت است که احادیث با ترتیبی خاص به همراه برایه‌نی نیکو با ذکر کامل سلسله سند و روایت از منابع متعدد و اعانتا به نسخ دیگر درج گردیده است. وی جهت فهم بهتر روایات از آیات قرآن، شرح واژگان، کنایات و در بعضی موارد از منقولات تاریخی و علوم ادی بهره برده است.

کلید واژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، بحرانی، عوالم العلوم، روش شناسی، روایت

zarsazan@gmail.com

۱- استادیار دانشگاه مذاهب اسلامی

درباره انگیزه تألیف این کتاب گفته شده است: پس از آن که مجلسی تألیف و تدوین بحار الانوار را سامان داد بر آن شد تا با نگارش مستدرک^۱ بحار تمام اخبار و احادیث اهل بیت(علیهم السلام) را یک جا گرد آورد و به شرح آن پیردادزد. مجلسی در آغاز بحار الانوار اینگونه می نویسد: به زودی برخی اخبار کتب پیشینیان که بنا به جهاتی از آنها روایات کثیری نیاوردم، در یک کتاب جداگانه به نام مستدرک بحار ذکر می کنم زیرا الحق به بحار سبب تغییر بسیاری از نسخ متفرقه در بلاد میگردد(مجلسی، ۱/۴۶) و در خاطرم این گونه می گذرد که اگر اجل فرصت دهد و توفیق و فضل الهی مددکار شود بر این کتاب شرح کاملی را بنویسم که در بر دارنده اهدافی باشد که در تصنیف های اصحاب یافت نمی شود. شرحی که مطلب در آن برای خردمندان به نهایت رسید(مجلسی، ۱/۵). لکن با درگذشت وی این آرزو انجام نپذیرفت و پس از چندی شیخ عبدالله بحرانی در پی انجام آرزوی استاد خویش برآمد.

در این نوشتار قبل از ورود به بحث اصلی ابتدا مباحثی درباره سبک کلی "عالیم العلوم" و معرفی جلد بیست و دو پرداخته سپس بحث های اصلی را پی می گیریم.

۱- ساختار کلی کتاب

"عالیم العلوم" به حسب تقسیم مؤلفدر صد کتاب میباشد. پنجاه کتاب در اصول و پنجاه کتاب در فروع و مجموع جزءهایش صد و بیست و هشت جزء است که در آن آیات کریمه و روایات ائمه(علیهم السلام) در موضوعات اعتقادی و فقهی ذکر شده است. در هر باب آیات مناسب با آن، ابتدا یاد می شود سپس نوبت به احادیث مربوطه می گردد و اگر مطلب به شرح نیاز داشته باشد به صورت مختصر با عنوان "ییان" یاد می شود(بحرانی، ۲/۲۲). بحرانی با نگارش کتاب عالیم روایات زیادی را با نظمی جدید، همراه با ابداع در تنظیم و ابتکار در عناوین یکجا گرد آورد. نظم منطقی این کتاب را در دو زمینه میتوان مشاهده کرد:الف) کثرت عناوین مرتبط و در عین حال جمع آوری آن عناوین در یک جا در حالیکه بحار الانوار، کتابی است که نسبتاً از عناوین اصلی کمی برخوردار است. بحرانی در تنظیم ابواب خود گرچه از محتوای بعضی از کتب قدما نیز استفاده برده است اما غالباً همان مطالب موجود در بحار الانوار را به صورتی دیگر و با نظم منطقی در ابواب جدید ریخته است، البته احاطه ایشان به ابحاث بحار الانوار

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۹۹
وی قرائت کرده و از وی اجازه حدیث داشته است(حسینی، ۳۸). مجلسی از او به فرزندی عزیز تعییر می کند(همو، شماره ۷، ص ۱۲۸). بحرانی نیز خود در مقدمه "عالیم العلوم" مخطوط، به شاگردی بیست ساله اش نسبت به مجلسی اشاره می کند و ضمن تجلیل فراوان، اعتماد خود را در تألیف بر استاد میداند(مهدوی، ۵۷/۲).

آنچه از مقدمه کتاب به دست می آید که وی در تگنای مادی به سر می برد و سفرهای متعددی به مشاهد شریفه چون مکه، مدینه، نجف، کربلا، سامرا و مشهد داشته است. جماعتی از اعلام چون محمد رفیع جیلانی و محمد اکمل پدر وحید بهبهانی از اوروایت کرده اند. او قبل از نگارش این مجموعه، کتاب "جوامع العلوم" که همه علوم متداول زمان خودش را در آن جمع کرده و کتاب "جوامع الاداب" که کتاب بزرگ و مهمی بوده را نگاشته است(حسینی، شماره ۷، ص ۱۲۹). آقا بزرگ تهرانی "جوامع العلوم" را کتاب مستقل دیگری نمی داند وی بر این باور است که نام این مجموعه بعد از چاپ بعضی مجلدات آن مانند مقتل در سال ۱۳۱۸ به "عالیم العلوم" تغییر می یابد در حالی که قبلاً با نام "جوامع العلوم" از آن یاد می شده است (تهرانی، ۱۵/۳۵۶). "عالیم العلوم" مجموعه حدیثی بزرگی است که طبق نقل صاحب الذریعه تعداد مجلدات آن بسیار بیشتر از بحار الانوار بوده و گویا مجلدات آن به صد جلد میرسیده است. وی می نویسد: کتاب "جوامع العلوم" و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال" کتاب بزرگی است که به مقدار کثیری نسبت به مجلدات بحار الانوار بیشتر است بلکه گفته میشود که به صد جلد میرسد و شنبده ام که همه آن در یزد موجود است(تهرانی، ۱۵/۳۵۶). صاحب اعیان الشیعه نیز به بیشتری عالم نسبت به بحار الانوار اشاره کرده است اما اضافه می کند که تنها ۵۴ جلد آن موجود است (امین، ۸/۸۷۰). میرزای نوری عالم را بحاری دیگر میداند جز آنکه بحرانی روش مجلسی را در ترتیب، تغییر داده و اسمش را عوض کرده است (نوری، ۱۰۲/۹۸)؛ لکن به نظر می رسد این قضایت عجولانه ای است و بحرانی در جمع و گردآوری روایات توسعه بسیاری داده و به منابع و مصادری که مجلسی به آنها پرداخته، اعتنا کرده است. همچنین ابواب دقیق برای هر موضوع اعتقادی و فقهی و غیر آن قرار داده و احادیث را در باب مناسب خودش جای داده است.

۱- کتابی است که به عنوان متمم کتاب دیگر و با همان شروط احادیثی را که از کتاب سلف فوت شده، گردآوری نموده باشد(شانه چی، ۲۲۰).

۲- امتیازات کتاب عوالم العلوم

هدف از این بحث معرفی بیشتر این میراث شیعی است. ویژگی های بارز کتاب را می توان ترتیب نیکو در آوردن روایات در باب مناسب، بی نیاز کردن محقق از مراجعه به اسناد، ذکر موارد تقطیع، اختصار در ذکر سند دانست. اهتمام مؤلف بر این بوده است که با این مختصات، روایات را از کتب شیعه با همان اسنادی که در کتب آمده است و به دور از تطویل، جمع آوری و شرح نماید. با توجه به این مقدمات، به شرح امتیازات کلی این کتاب می پردازیم:

۲-۱- ترتیب نیکو در آوردن روایات در باب مناسب

بحرانی روایات را بر اساس متن آنها و به صورت موضوعی دسته بندی نموده و عنوانی برای آن در نظر می گیرد وی در این ترتیب کمال دقت را در چینش روایات بکار بردé است چنانکه خود در باب "احضار علماء در مجلس مأمون" ذیل روایتی از "عيون اخبار الرضا" می گوید: تمام آن اخبار را در کتاب احتجاجات و کتاب نبوت آورده ام و اینجا آنچه مناسب این مقام است را ذکر می کنم (بحرانی، ۲۲/۶۰).

کتاب با باب "اسم و نسب وکیله امام رضا(علیه السلام)" که شامل ۱۶ حدیث است آغاز گشته، سپس سخن از احوال مادر امام (علیه السلام) و کیفیت ولادت ایشان - شامل ۱۶ حدیث - به میان آمده است. باب ۳ سخن از نصوص ائمه معصومین (علیه السلام) راجع به امام رضا(علیه السلام) - شامل ۵۲ حدیث - و باب ۴ که از طولانی ترین ابواب این کتاب است با عنوان معجزات و حالات غریب امام (علیه السلام) است که شامل ۱۱۳ حدیث می باشد. باب ۵ تا ۷ شامل فضایل و مناقب و مکارم اخلاق و سیره امام(علیه السلام) - شامل ۷۰ حدیث - و باب ۸ تا ۱۶، شامل احوال نزدیکان، اصحاب، مددوحین و مذمومین امام(علیه السلام) با مأمون است. باب ۱۷ تا ۲۳ شامل احوال نزدیکان، اصحاب، مددوحین و مذمومین امام(علیه السلام) که دربردارنده ۴۹ حدیث است و بالأخره باب ۲۴ و ۲۵ با موضوع شهادت امام رضا(علیه السلام) شامل ۸۵ حدیث می باشد. از ابواب دیگر کتاب می توان از مرثیه هایی که درباره امام(علیه السلام) سروده شده، برکات روضه رضویه و در انتهای، باب استجابت دعا در مشهد رضوی است نام برد که مجموعاً ۲۴ حدیث را دارا است.

۲-۲- بی نیاز کردن محقق از مراجعه به اسناد

وارباب کتب با هر پدیده مطرح اجتماعی است.

جلد اول کتابدر مقدمات و اصطلاحات و ذکر منابع و جلد دوم و سوم در باب عقل و جهل و کتاب علم است. جلد چهارم تا هشتم درباره مباحثی از اصول دین، چون توحید و عدل و نبوت می باشد و از جلد نهم تا بیست و ششم شامل احوال پیامبر(صلوات الله عليه‌آل‌ه) و حوادث بعد از ایشان و احوال فاطمه زهرا(صلوات الله عليها) و سایر ائمه(علیهم السلام) تا امام مهدی(علیه السلام) است که شرح حال هر یک از ائمه(علیهم السلام) به طور مجزا در یک جلد به نگارش درآمده است. بقیه اجزاء این مجموعه شامل برزخ و معاد، مکارم اخلاق، اوامر و نواهی، آداب و سنت و فروعات دین و ابواب فقهی و احوال بعضی رجال و اجازات بعضی علماء را شامل می شود. مقدمه این مجموعه شامل چهار مطلب است. مطلب اول در منابعی که از آن نقل می شود، مطلب دوم در نقل نص مقدم بعضی منابع، مطلب سوم در اصطلاحاتی است که مؤلف در کتاب به کار بردé و مطلب چهارم در رموز کتبی است که از آنها مطلب نقل شده است. مجلد بیست و دو این مجموعه که در شرح احوالات امام رضا(علیه السلام) می باشد از ۲۸ باب که هر باب به تفکیک موضوع به بخش هایی تقسیم شده است و ۵۱۴ حدیث تشکیل شده است.^۱

۱- چاپ مجلدات موجود از این مجموعه با تحقیق سید محمد باقر ابطحی در حال انجام است و تا کنون چندین مجلد آن همراه با تصحیح و تعلیقات چاپ شده است. در این راستا در غالب ابواب عوالم العلوم استدراکاتی اضافه شده است. کار عمده این تحقیق، تلاش در جهت ارائه مصادر احادیث موجود در عوالم از بخار الانوار و کتب اصلی و نیز از دیگر مراجع معتبر است. ابطحی در این مجلد ۱۸۵ مستدرک اضافه کرده است که در مجموع ۶۹۹ حدیث می باشد.

قطعیح حدیث یعنی تقریق حدیث برای احتجاج مناسب به ابوبی که متعلق به آن است (شهید ثانی، ۳۱۹). تقطیع از موارد مهمی است که به هر انگیزه‌ای صورت گیرد بر فهم صحیح و کامل حدیث تأثیر می‌گذارد. از این رو موضوع تقطیع حدیث از جهت انتقال معانی واقعی روایات، همواره از دغدغه‌های محدثان بوده است. روش بحرانی ذکر کامل حدیث می‌باشد لکن در برخی از احادیث به علت طولانی بودن، روایت را تقطیع نموده و موضع حاجت را با عباراتی چون "ذکر خبر طویلا له اختصرت هذا منه" (باب ۵ بخش ۸ حدیث ۱) یا "والحدیث فيه زیاده و حذفناها" (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱۷) و "فی حدیث طویل" (باب ۳ بخش ۱ حدیث ۳)، باب ۷ بخش ۵ حدیث ۲) تعبیر می‌کند چرا که تکرار یک روایت که شامل چند حکم است به تعداد ابواب مختلف جز اتلاف وقت مؤلف و پژوهشگر نتیجه ای ندارد.

۴- اختصار در ذکر سند

بحرانی گاهی اوقات روایات مختلفی را ذکر می‌کند و اگر سلسله سند همان سلسله سند قبلی باشد، برای جلوگیری از تکرار در جهت اختصار با عبارت "بهذا الاسناد" به آن اشاره می‌کند و سند را به روایت قبلی حواله می‌نماید (رک: باب ۳ بخش ۳ حدیث ۰؛ باب ۴ بخش ۱ حدیث ۵۲، ۳۷؛ باب ۶ بخش ۳ حدیث ۲).

۳- روش بحرانی در تبیین احادیث

بدون فهم متن، راهی به سوی کشف نظر دین وجود ندارد. از این رو فهم حدیث دغدغه اساسی علماء و متخصصان دین بوده و هست. قابل توجه است مؤلف ذیل هر روایتی که نیاز به شرح داشته است با عنوان "بيان" مطالبی ذکر می‌کند. اکنون لازم است به نقش این عالم بزرگ در جهت فهم بهتر روایات پردازیم. در این نوشتار به مهم ترین راهکارهای مؤلف در این زمینه پرداخته می‌شود.

۱-۳ - توضیح واژگان

با توجه به فاصله زمانی موجود میان ما و عصر معصومین (علیهم السلام) و تطور معانی واژگان در گذر زمان، بیان و توضیح معانی کلمات دشوار بکاررفته در روایت‌ها الزامی است. چه بسا کلماتی که در زمان امامان (علیهم السلام) در معنایی بکاررفته اند که در زمان حاضر از آن معانی تهی شده اند و حتی معانی معارض با معنای اولی یافته اند. لذا فهم صحیح متن حدیث مانند فهم دیگر متون، در گرو فهم تک تک مفردات است. فهم و کشف معانی واژگان بکاررفته

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۰۳ از آنجا که مؤلف احادیث مناسب با یک موضوع را از کتب و اصول مختلف جمع آوری کرده است، در بسیاری از موارد یک روایت را با چندین سند مختلف (رک: باب ۱ بخش ۳ حدیث ۲، باب ۳ بخش ۱ حدیث ۲ و ۷، باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱، ۲۰، ۲۴، ۲۵) یا یک مضمون را با الفاظ و اسناد متفاوت (رک: باب ۱ بخش ۳ حدیث ۱، ۲، ۵؛ باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱-۴۵؛ باب ۲۵ بخش ۱ حدیث ۱-۱۴؛ باب ۲۵ بخش ۲ حدیث ۱-۶) در کنار هم قرار داده است که این امر سبب شهرت یا تواتر معنوی یا اجمالی^۱ احادیث می‌گردد. این امر در بسیاری از باب‌های کتاب موجود است. به عنوان مثال در باب "نص ائمه علیه فی کبره و عند وفاته"^۲ ۴۵ روایت با الفاظ و اسناد متفاوت و با مضمون واحد روایت شده است که امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌فرماید: این فقیه ترین اولاد من است که کنیه ام را به او بخشیده ام و با دستش به پسرش علی (علیه السلام) اشاره می‌کند (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱) و در روایت دیگر راوی می‌گوید: نزد موسی بن جعفر بودم دست مرا گرفت و کنار درب اطاقی ایستادیم در را باز کرد دیدم پسرش علی (علیه السلام) را که در دستش کتابی بود که در آن مینگریست. به من گفت اورا می‌شناسی؟ گفتم: بله او پسرت علی (علیه السلام) است. سپس گفت: می‌دانی این کتاب چیست؟ گفتم: نه. گفت: این جفری است که تنها نبی و وصی در آن نظر می‌کنند (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۵).

همچنین در باب "القاب امام (علیه السلام)" روایتی را با ۴ سند گوناگون ذکر می‌کند که امام جواد (علیه السلام) فرمودند: خداوند او را رضا نامید چون او راضی به امر خدا در آسمان و راضی به امر رسول (صلوات الله علیه و آله) و ائمه بعدش (علیهم السلام) در زمین بود. راوی می‌گوید: به او گفتم آیا هیچیک از پدران شما اینگونه نبودند؟ امام (علیه السلام) می‌فرماید: بله. راوی می‌گوید: گفتم پس چرا از بین آنها، او رضا شد؟ امام (علیه السلام) در پاسخ می‌فرماید: برای اینکه او به دشمنان مخالفش رضایت داد همانگونه که به دوستان موافقش رضایت داد در حالی که هیچیک از پدران ما اینگونه نبودند (باب ۱ بخش ۳ حدیث ۲-۵).

۲- ۳- ذکر موارد تقطیع

^۱- تواتر معنوی آن است که مورد تواتر قدر مشترک چند خبر باشد (ثانی، ۱۴۰۸، ۶۰). به عبارت دیگر مضمون چند حدیث یکی، ولی قالب الفاظ آنها متفاوت باشد و تواتر اجمالی آن است که علم اجمالی به صحت یکی از چند حدیثی که در یک موضوع وارد شده است، بکند (مامقانی، ۱۶۵ / ۱).

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۰۵ در این کتاب گاه به شیوه اجتهادی است و بحرانی خود به تناسب کلام به ذکر معنای واژگان می‌پردازد البته در این موارد شاید بتوان گفت از کتب لغت بهره گیری شده اما نامی از منبع ذکر نشده است که به مواردی از آن بسته می‌شود: زاریا: عاتیا، ساختا، غیر راض (ب ۹ بخش ۵ حدیث ۸)، الكبر بالتحریک: الطبل (باب ۲۲ بخش ۶ حدیث ۲)، الصمصم: السيف الصارم الذي لا ينتهي (باب ۶ بخش ۷ حدیث ۵) و تماثل العلیل: قارب البرء (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱۲) و گاه این امر با استفاده از منابع صورت می‌گیرد. بحرانی در این کتاب از کتب کهن لغت همچون تاج اللغة اثر اسماعیل بن حماد جوهری (متوفی ۳۹۳ق)، قاموس المحيط اثر محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۷۲۹ق) و النهایه از مبارک بن محمد جزری (متوفی ۶۰۶) بهره برده است. به عنوان مثال وی ذیل عبارت "فما زال يعرج منها حتى مات: از آن حادثه همچنان لنگ بود تا از دنیا رفت" به نقل از جوهری "عرج" را هرگاه چیزی به پایش شخص اصابت کند که باعث شود راه رفتنش، راه رفتن افراد لنگ شود، دانسته و در ادامه می‌گوید: اما اگر مادرزادی لنگ باشد "عرج بالكسر" گویند (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۴ و نک: باب ۴ بخش ۱ حدیث ۵)، باب ۴ بخش ۹ حدیث ۱، باب ۷ بخش ۶ حدیث ۶، باب ۱۱ بخش ۴ حدیث ۱). در کلام دیگر به نقل از فیروزآبادی ذیل عبارت "فسرحت رجله فمات من تلک العله بعد شهر: پایش قطع شد و به همین سبب بعد از یک ماه مرد" آورده است: "شرح" به معنی قطع و "شرحه" قطعه ای از گوشت است (باب ۹ بخش ۳ حدیث ۳ و نک: باب ۷ بخش ۱ حدیث ۲، باب ۹ بخش ۳ حدیث ۳، باب ۲۳ بخش ۱ حدیث ۱) یا در عبارت "ثم یدفننی فی دار مضیعه و بلاد غربه: سپس مرا به حالت خواری در بلاد غربت دفن می‌کنند" به نقل از ابن جزری می‌گوید: "مضیعه" بر وزن مفعله از ضیاع یعنی دورافکنند، رها کردن و خواری است (باب ۲۴ بخش ۵ حدیث ۱ و نک: باب ۱۴ بخش ۳ حدیث ۱، باب ۲۴ بخش ۱ حدیث ۲، باب ۲۴ بخش ۵ حدیث ۱).

مؤلف در مواردی که نیاز می‌دیده است ضبط و تلفظ صحیح کلمات را هم بیان کرده است، این امر سبب می‌شود تا هم خواننده ضبط کلمه مورد بحث را دقیقاً دریابد و هم معنای آن را با دیگر کلمات مشابه به آن خلط نکند، مثلاً آورده است: "إِرب- بکسر الهمزة و سکون الراء- العضو" (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۵۵). یا "الغمر- بالكسر- الحقد و الضغن" (باب ۶ بخش ۷ حدیث ۴)، "بضعه- بالفتح- القطعه من اللحم" (باب ۲۴ بخش ۱ حدیث ۲) و "العلق- بالكسر- النفيس من كل شيء" (باب ۲۶ بخش ۴ حدیث ۱) و گاه به بیان جمع و مفرد کلمه می‌پردازد. به

عنوان مثال آورده است: "البَعْ: درختی است که از آن کمان درست می‌کنند و نبعة مفرد آن است و از شاخه هایش تیر می‌سازند" (باب ۴ بخش ۹ حدیث ۱)، آری: محل نگهداری چهار پایان است و جمع آن اوازی است" (باب ۷ بخش ۶ حدیث ۶)، "الدواة: آنچه با آن نوشته می‌شود و جمعش دوی مثل نواه و نوی است" (باب ۹ بخش ۳ حدیث ۲) و "الخلع- بکسر الخاء و فتح اللام- جمع الخلعة است" (باب ۹ بخش ۵ حدیث ۱۱).

۲-۳- بیان مقصود حدیث

بحرانی به دلیل توان علمی و ظرفیت فکری خود توانسته است در فهم و تبیین معانی احادیث قدیم جدی بردارد و در برگرفتن پرده ابهام از چهره روایت پژوهشگران را یاری می‌کند. وی در مواردی ضمن شرح حدیث به روایت و گاهی به اقوال علماء اشاره کرده و در جهت تبیین کلام معصوم از اقوال آنان نیز بهره برده است که به ذکر مواردی از آن بسته می‌کنیم. وی روایت: "إن أباً كَبَرَنا بالخلف من بعده فلو أخْبَرَنَا به. قال : فأخذَ يَدِي فَهَزَّهَا، ثم قال : (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْهَدَنَهُمْ حَتَّى يُيَسِّرَ لَهُمْ مَا يَتَّقَنُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)" (التوبه، ۱۱۵): راوی می‌گوید به امام رضا (علیه السلام) گفتم: پدرت به ما از جانشین بعد از خودش خبر داد چرا تو به ما خبر نمی‌دهی. گفت: امام (علیه السلام) دست مرا گرفت و آن را تکان داد سپس آیه "خدا قومی را که هدایت کرده است گمراه نمی‌خواهد، تا برایشان روشن کند که از چه چیز باید پیرهیزند، که خدا بر هر چیزی داناست" تلاوت نمود (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۴)" را به تنهایی دال بر نص صریح بر امام رضا (علیه السلام) نمی‌داند. در باور وی استشهاد امام (علیه السلام) به آیه (توبه ۱۱۵) می‌تواند تلویحاً متضمن نص بر امام رضا (علیه السلام) باشد زیرا از وظایف امام (علیه السلام) مشخص کردن جانشین بعد از خود در زمان مناسب است. سپس او در تأیید این سخن به روایتی از حمیری در قرب الاسناد اشاره می‌کند که راوی از امام (علیه السلام) راجع به جانشین بعد از خودش می‌پرسد و امام (علیه السلام) در پاسخ می‌فرماید: این چیزی که از من سؤال کردی الان وقتش نیست. راوی می‌گوید: به او گفتم دیدی در مورد پدرت به چه ابتلائی دچار شدیم در حالی که تو از حوادث این نیستی؟! امام (علیه السلام) در پاسخ می‌فرماید: انشاء الله ، اگر حادثه ای که در مورد من می‌ترسی اتفاق بیفتد در آن صورت تو وغیر تو حجت دارید و می‌توانید به آن احتجاج کنید. بعد از ذکر این روایت مؤلف چنین نتیجه می‌گیرد: از طرف خدا بر امام واجب است که هر گاه خوف از جان داشته

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو ۱۰۷/// باشد باید به حجت معروف و آشکار بعد از خودش احتجاج کند به همین دلیل خداوند در فرآن می فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضْلِلَ قَوْمًا بَعْدَ إِذْهَبَتِهِمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ شَيْءاً عَلِيمًا» (التوبه ۱۱۵) (همانجا).

نمونه دیگر در باب "معجزات امام (علیه السلام)" است. وی پس از ذکر روایتی بیان می‌دارد، ابن شهر آشوب نیز مثل این روایت را آورده است، جز این که در آخر روایت عبارت "فقال الناس: إنه اسم حنث" اضافه آمده است: سپس اینگونه بیان می‌کند: چه بسامعنى حنث اسم اولاد زنا باشد زیرا به ولد زنا، ولد حنث گفته می‌شد. چون آن‌ها ممحصول گناه بوده اند (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۸).

در روایتی دیگر از یاسر، خادم امام رضا (علیه السلام) چنین نقل شده است: "كان الرضا (عليه السلام) إذا رجع يوم الجمعة من الجامع و قد أصابه العرق و الغبار رفع يديه وقال: اللهم إن كان فرجي مما أنا فيه بالموت فعجل لى الساعه ولم يزل مغموما مكروبا حتى قبض: زمانی که امام (علیه السلام) از نماز جمعه برگشت عرق بسیاری می کند، در این هنگام دو دستش را بالا می برد و چنین دعا می کند: خدایا اگر فرج من از این حالت مرگ است، همین لحظه آن را برسان. و همچنان مغموم و رنج دیده بود تا قبض روح شد" (باب ۱۴ بخش ۲ حدیث ۱). بحرانی این دعا را دلالت بر جواز آرزوی مرگ در بعضی احوال می داند و احتمال دیگری را مطرح می کند که چه بسا این دعا برای رفع تصور بعضی افراد جاهل است که گمان می کردند امام (علیه السلام) از نزدیکی به مأمون و از افعال او مسرور است و انتظار ولايته مددی را دارد (همانجا).

همچنین ذیل عبارت "رب ما کان عنباً حسناً" یکون من الجنۃ: چه بسا انگور نیکو در بهشت باشد" که امام (علیه السلام) در پاسخ مأمون که به ایشان گفته بود: "یا ابن رسول الله، ما رأیت عنباً أحسن من هذا: انگور نیکو تر از این ندیدم" (باب ۲۵ بخش ۳ حدیث ۲) می‌گوید، مقصود این است که انگور نیکو تنها در بهشت است که تو از آن محرومی (همانجا). و در روایت دیگر آورده است: محمد بن عرفه به امام (علیه السلام) می‌گوید: "یا ابن رسول الله ما حملک على الدخول في ولایه العهد؟ فقال: ما حمل جدی أمير المؤمنین (علیه السلام) على الدخول في الشوری: یا ابن رسول الله چه چیز شما را مجبور ساخت که ولایت عهدی مأمون را یذیرفتید. امام (علیه السلام) در پاسخ می‌گوید: همان چیز که حدم علی، (علیه السلام) را

واداشت که در شورا شرکت نماید" (باب ۹ بخش ۷ حدیث ۷). بحرانی در شرح آن چنین می‌گوید: "یعنی مردم از خلافت ما مأیوس نباشند و اقرار مخالفین ما را که در امرولایت برای ما نصیبی است، بدانند. وی در ادامه احتمال دیگری را در نظر می‌گیرد که شاید این تشییه به خاطر اشتمال بر مصلحت‌های پنهانی باشد (همانجا).

۳-۳- استفاده از آیات قرآن

بهرانی در شرح و تبیین معنای حدیث به معارف قرآنی تمسک می‌جوید. استفاده از آیات قرآن جهت شرح و بیان برخی مطالب و مستدل کردن آن‌ها از دیگر مشخصه‌های این شرح است. چنانکه مؤلف در ذیل حدیث "حلفت بالعقل إلا أحلف بالعقل إلا اعتقت رقبه و اعتقت بعدها جميع ما يملك إن كان يرى أنه خير من هذا - و أومى إلى عبد أسود من غلامانه- بقرباتي من رسول الله (ص) إلا أن يكون لى عمل صالح فأكون أفضل منه: من پیش از این با خدایم پیمان بسته ام که سوگند به عتق نخورم جز اینکه بنده ای را آزاد کنم بعد از آن همه غلامانم را آزاد کردم گرچه ممکن است کسی اینگونه فکر کند که من از این غلام - و به برده سیاه از غلامانش اشاره میکند - به علت خویشی ام با رسول خدا (صلی الله علیه و آل‌ه) برترم مگر آنکه عمل صالحی داشته باشم که به جهت آن عمل، فضیلتی به او یافته باشم" (باب ۶ بخش ۱۲ حدیث^(۳)) آورده است: "إن كان يرى "يعنى" إن كنت أرى" سپس بیان می‌کند: امام رضا(علیه السلام) این کلام را به صیغه متکلم وحده گفته اند و این تغییر از جانب راوی است تا گمان نشود حکم سوگند، به امام(علیه السلام) تعلق گرفته است و در این باره به آیه «وَالْحَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ»: وبارپنجم بگوید که لعنت خدا برآوباد اگر از دروغگویان باشد" (السور، ۷) استشهاد می‌کند و در نهایت اینگونه نتیجه می‌گیرد که امام (علیه السلام) به برده سوگند خورد چون اعتقاد نداشت که برتری او به بنده سیاهش صرف نزدیکی با پیامبر(صلی الله علیه و آل‌ه) بدون انضمام اعتقدات حسن و اعمال صالحه است و این امر منفاتی ندارد که قربت به انضمام اعمال صالحه علیه را رسیدن به درحات علم باشد (همانجا).

٣-٤ - شہ کنایات

آوردن عبارات در قالب‌های مختلف تشییه، استعاره و کنایه در انتفال مقصود به خواننده رساتر خواهد بود. امامان معصوم (علیهم السلام) نیز کما بیش این قالب‌ها را در کلام خود بکار بسته اند، حدیث ریوهان نیز به فراخور استفاده از این دست روایات، تلاش نموده اند تا زیان

بن ابراهیم و امر اهل بغداد و امر اصحاب زهیر و هزیمتهم" ، بحرانی آورده است: این مطلب اشاره به جنگ سپاهیان امین و مأمون و خلع امین دارد و محمد بن ابراهیم بن الاغلب الافرقی از یاران امین بود و زهیر بن مسیب از یاران مأمون و این اشاره به ابتدای جنگ است که غلبه با امین بود (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱).

۳-۶- بکار گیری علوم ادبی

دانستن قواعد دستور هر زبانی کلید آن زبان محسوب می شود که بدون آن نمی توان به فهم متون دست یافته از سوی دیگر چون احادیث معصومان به زبان عربی صادر شده اند یکی از لوازم شرح روایت ها بکار گیری قواعد عربی است. از این رو بحرانی در بیان معانی احادیث از این قاعده بهره برده است. چنانکه ویدر باب "نص ابیه علیه فی کبره و عند وفاته" ذیل عبارت "من لم يكن له بد من لقائی فلا يلقنی الا بكتابه: هر کس به ناچار باید خودم را ملاقات کند تنها با دست خط او مرا ملاقات می کند" (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱۸) مرجع ضمیر در "كتابه" را علی بن موسی الرضا(علیه السلام) می داند و احتمال دیگری بیان می دارد که ممکن است به موصول(من) برگرد (همانجا). در جای دیگر عبارت "و قعدت فى هذه البلاد و تركت بيت الهجرة و مهبط الوحي وإن المهاجرين والأنصار يظلمون دونك: در این سرزمین ها نشسته ای و از مدینه دارالهجره و محل نزول وحی غافل شده ای و مهاجرین و انصار در آن جا مظلوم واقع شده اند و با بودن تو به آنان ظلم می شود" (باب ۱۶ بخش ۱ حدیث ۱) "يظلمون را بر بناء مجھول می داند (همانجا) یا ذیل عبارت "حلفت بالعتق إلا أحلف بالعتق إلا اعتقت رقبه و أعتقت بعدها: من پیش از این با خدایم پیمان بسته ام که سوگند به عتق نخورم جز اینکه بنده ای را آزاد کنم اکنون همه غلامانم را آزاد کرم" (باب ۶ بخش ۱۲ حدیث ۳) احتمال می دهد که "اعتقت" معطوف به قول "حلفت" باشد که در این صورت قسم دوم است یا عتق متعلق به شرط مذکور باشد که در این صورت آنچه قبل از آن است جمله معتبره است (همانجا).

۳-۷- اعتنا به نسخ دیگر

دستیابی به نسخه های متعدد و دسترسی به گزارش های متفاوت راویان و کتب حدیث، یکی از بهترین راه های احراز صحت متن و اطمینان نسبی از سخن ابراز شده از سوی امام معصوم(ع) است (مسعودی، ۳۲). شیخ در این کتاب به نسخه ها و کتب و منابع دیگر توجه کرده است و تفاوت متن نسخه ها را بیان می دارد. به عنوان مثال درایات دубل خزاعی ذیل کلمه "حنینیه"

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۰۹// استعاری یا کنایی حدیث را شرح نموده و پرده از چهره روایات برگیرند. به همین سبب بحرانی در شرح متن از این شیوه بهره جسته است. وی ذیل عبارت "فأخذ الاموال التي كانت في يده و كسرها" در باب "نص ابیه علیه فی کبره و عند وفاته" قائل است، کسر اموال کنایه از تصرف و بخشش مال بدون توجه است (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱۲). وی عبارت "إنه كان يترب الكتاب: بر كتاب -نوشه اش - خاک می پاشید" را کنایه از تواضع می داند (باب ۷ بخش ۵ حدیث ۲) و ذیل عبارت "مخصوص زبدتكم: کره تان را به شدت تکان داد طوری که از آن کف خارج شد" آورده است: اینجمله کنایه از مکر و تلاششان در ظاهر کردن باطن مأمون است (باب ۱۳ بخش ۳ حدیث ۱) و عبارت: "ما كانت نفقتك الا في كمك: خرجيت نبود مگر در آستینت" را کنایه از کمی نفقة می داندتا جایی که شخص می تواند آن را با خود در آستینش حمل کند یا در به دست آوردن آن مقدار دچار خستگی نگردد (باب ۱۶ بخش ۲ حدیث ۴).

۳-۴- مشخص کردن افراد

بحرانی در باب "مکارم اخلاق امام (علیه السلام)" به معرفی افراد پرداخته است. او از معمربن خلادر روایت می کند: بر امام رضا(علیه السلام) وارد شدیم و یکی از ما عرض کرد: فدایت شویم چرا رخسار تان را دگرگون می بینیم؟ امام (علیه السلام) فرمودند: من بیشتر شب بیداری کشیدم و در این شعر مروان بن ابی حفصه می اندیشیدم که گفته است: از کجا می شود و این شدندی نخواهد بود که دختر زاده ها ارث به جای عموها ببرند؟ در ادامه علی بن موسی الرضا(علیه السلام) می فرماید: سپس خوابیدم ناگاه در خواب دیدم شخصی چهار چوب در را گرفته و می گوید: از کجا می شود و این شدندی نخواهد بود که مشرکین پر چمداران اسلام باشند- دختر زادگان نصیب ارث خود را از جدشان می برند در حالی که عمودن ارث کنار می رود- آن که آزاد شده است چگونه ارث نبوت برده؟ چه بسا آزاد شده ای که از ترس شمشیر سجده کرده است. وی مراد از "آزاد شده" را عباس عمومی پیامبر (صلوات الله علیه) می داند که روز بدر اسیر شد و با فدیه آزاد گشت (باب ۶ بخش ۷ حدیث ۵).

۳-۵- استفاده از منقولات تاریخی

مؤلف بسته به نیاز، از منقولات تاریخی نیز بهره برده است. هر چند که استفاده از تاریخ در این کتاب به ویژه در سنجهش با مستدرک آن پرنگ نیست و تنها می توان به گزارشی در باب معجزات امام رضا(علیه السلام) ذیل روایتی اشاره کرد، آنجا که آمده است: "فكان أمراً محمد

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو //۱۱۱ مولف آورده است: در بعضی نسخ "حیبیه" آمده است که به معنی نغمه است و اظهار این است که "حسینیه" باشد همانطور که در بعضی از نسخه ها آمده است و آن نغمه معروفی است (باب ۹ بخش ۶ حدیث ۲) یا در باب "ما کتب المأمون فی جواب کتاب بنی هاشم فی ذلک" بعد از ذکر نامه چنین می گوید: این خبر در بعضی از نسخ طرافت آمده بود در حالی که در اکثر نسخه ها نبود (باب ۱۴ بخش ۳ حدیث ۱).

۴- تقسیم احادیث عوالم العلوم از جهت راویان سند
احادیث کتاب عوالم العلوم نیز مانند سایر کتب حدیثی در یک سطح قرار ندارند، بلکه گاهی مواردی در سلسله سند به چشم می خورد که آن را از سطح حدیث صحیح و حسن خارج می سازد. اینک به بررسی هر یک می پردازیم.

۴-۱- مسنده

عالمان حدیث مسنده را حدیثی می دانند که سلسله سند آن در جمیع مراتب تا معصوم مذکور و متصل باشد (شهید ثانی، ۹۷). در عوالم العلوم، نود و شش حدیث به شکل مسنده آمده است. مؤلف در این کتاب از ۲۹۵ راوی که ۷ تن آنها زن می باشند، روایت کرده است که از این میان، از افراد زیر بیشترین روایات نقل شده است: ابراهیم بن عباس - صولی -، ابراهیم بن مهدی، ابن قولویه، ابن متوكل، ابن الولید، احمد بن ادريس، بنزنطی، احمد بن محمد بن عیسی، حسن بن سهل، حسن بن علی الوشاء، حسن بن موسی، ریان بن صلت، ابو صلت هروی، علی بن ابراهیم بن هاشم، محمد بن سنان، ماجیلویه یاسر - خادم امام رضا (علیه السلام)، کلینی، صدوق، وراق، همدانی و یقطینی.

همچنین از معصومان زیر به ترتیب کثرت، روایاتی را نقل کرده است:

- ۱- امام کاظم (علیه السلام) ۵۷ روایت
- ۲- امام رضا (علیه السلام) ۲۷ روایت
- ۳- امام جواد (علیه السلام) ۶ روایت
- ۴- امام صادق (علیه السلام) ۴ روایت
- ۵- امام علی (علیه السلام) و امام حسن عسگری (علیه السلام) هر یک ۱ روایت.

لازم به ذکر است در نسخه خطی مؤلف، قبل از برخی احادیث یا اسناید، دایره قرمز رنگی کشیده شده که نمایانگر آن بوده است که حدیث یا سند به آن منبع تفرد داشته یا از هیچیک از آئمه (علیهم السلام) جز امام مذکور در آن سند، نقل نشده است لکن در نسخ بعدی به علت عدم مراعات ناسخین این نشانه از بین رفته است (حسینی، شماره ۷، ص ۱۳۰).

۴-۲- مرسل

شخصی که خود حدیث را از پیامبر (صلوات الله علیه) یا امام نشنیده اگر بدون وساطت صحابی از معصوم نقل کند، چنین حدیثی را مرسل نامند (شهید ثانی، ۶۱). جز این بر حدیثی که بیش از یک نفر از سلسله سند حذف گردیده اطلاق شده است (همان، ۱۳۷). البته معروف نزد علمای شیعه آن است که مرسل به حدیثی گویند که تمام راویان زنجیره سند یا برخی از آنها حذف شده باشد و یا به الفاظ مبهم و مجملی چون عن بعض، عن رجال ... آورده شده باشد (همان، ۱۳۶). بعضی از روایات مرسل کتاب به اشکال ذیل می باشد که به آن اشاره می شود.

در عوالم العلوم گاه به احادیثی بر می خوریم که تمام راویان زنجیره سند حذف گشته و با ذکر "مرسلا" به این موضوع اشاره شده است (رک: باب ۱ بخش ۳ حدیث ۲، باب ۴ بخش ۱ حدیث ۲۲ و ۱۶) یا برخی از آنها حذف شده (نک: باب ۴ بخش ۱ حدیث ۲۳، باب ۳ بخش ۳ حدیث ۲۵، باب ۹ بخش ۵ حدیث ۱۰) یا تنها نام معصوم ذکر شده است (باب ۳ بخش ۱ حدیث ۳، باب ۵ بخش ۳ حدیث ۱) گاهی نیز در زنجیره سند روایات، عبارات مبهم و مجہولی چون "بعض اصحابنا" (باب ۶ بخش ۸ حدیث ۳)، "بعض اصحابه" (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۵۵)، "عده من ذکره" (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۳۷)، "عن اخباره" (باب ۴ بخش ۲ حدیث ۱)، "عنمن الصالح" (باب ۴ بخش ۴ حدیث ۲)، "من سمع الرضا" (باب ۹ بخش ۵ حدیث ۹)، "مولی العبد مشخص نشوند و حدیث جزء احادیث مرسل به حساب آید.

۴-۳- موقوف

در نگاه عالمان حدیث موقوف به حدیثی اطلاق می شود که از شخص مصاحب معصوم نقل شده باشد چه سلسله سند به صحابی متصل باشد چه منفصل، خواه قول باشد یا فعل یا غیر اینها (شهید ثانی، ۱۳۱). برخی روایات در این کتاب از مصاحبان ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است، مانند: هشام بن احمد (باب ۲ بخش ۱ حدیث ۳؛ طوسی، ۳۴۵)، فضل بن

۱- مقصود از کتب اطراف، کتابهایی است که در آن مؤلف بسنده به ذکر قسمتی از حدیث که دلالت بر بقیه آن دارد، می نماید سپس طرق و اسناید آن حدیث را به نقل از مأخذی که حدیث در آن وجود دارد، می آورد (معارف، ۱۷۵).

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۱۳

یونس(باب ۴ بخش ۱ حدیث ۷۰؛ خوئی، ۱۴/۳۳۷) از اصحاب امام کاظم(علیه السلام)، صفوان بن یحیی(باب ۳ بخش ۳ حدیث ۴۲؛ نجاشی، ۱۹۷؛ طوسی، ۳۳۸)، عبد السلام بن صالح- ابو الصلت- (باب ۵ بخش ۵ حدیث ۵؛ نجاشی، ۲۴۵؛ خویی، ۱۸/۱۱)، موسی بن مهران (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۲۸؛ خویی، ۸۴/۲۰)، از اصحاب امام رضا(علیه السلام)، موسی بن عمر بن یزیع(باب ۴ بخش ۱ حدیث ۳۷) از اصحاب امام جواد(علیه السلام)(برقی، رجال، بی تا، ص ۵۸) و امام هادی(علیه السلام) (طوسی، ۳۹۱) و عبد العظیم حسنی(باب ۶ بخش ۵ حدیث ۷) از اصحاب امام هادی(علیه السلام) (طوسی، ۳۸۷) و امام حسن عسگری(علیه السلام) (همانجا، ۴۰۱؛ خویی، ۵۱/۱۱)، حکیمه دختر موسی بن جعفر(علیه السلام) (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱۶؛ برقی، ۶۲) و یاسر خادم امام رضا(علیه السلام)(باب ۴ بخش ۸ حدیث ۴؛ طوسی، ۳۶۹) از دیگر مصاحبان معصوم می باشند.

۴-۵- مهم

گاهی در استناد کتاب افرادی ذکر شده اند که یا نام آنها در کتب رجالی نیامده یا بیانی از روش، عقیده و مرام آنها نشده است عالمان حدیث چنین حدیث را مهمل گویند(مامقانی، ۳۹۷/۱) مانند سلمه بن محرز(باب ۳ بخش ۱ حدیث ۱)، عمر بن واقد(باب ۳ بخش ۳ حدیث ۴)، غزوان الضبی(باب ۲۴ بخش ۲ حدیث ۱)، فلان بن محرز(باب ۴ بخش ۱ حدیث ۸۷) و قاسم بن محمد البرمکی(باب ۳ بخش ۴ حدیث ۱) که از آنها در کتب رجالی یادی نشده است .

۵-۵- مصحف

مصحف حدیثی است که بعضی از سند یا متن به مشابه خود تغییر یافته باشد (شهید ثانی، ۱۱۰). گاهی در سلسله سند بعضی روایات کتاب به افرادی بر می خوریم که در نسخ دیگر به مشابه خود تغییر کرده است، چنانکه در باب ۳ ذیل حدیث ۶ در زنجیره حدیث آمده است: "...عن نشیط عن خالد الجوان" در حالیکه در بعضی نسخ دیگر "الجواز" یا "الحوار" آمده است (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۶). یا در زنجیره حدیثی دیگر آمده است: "... عن محمد بن زید" که در نسخ دیگر تصحیف شده و "محمد بن زید" آمده (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۱۹) همچنین داود بن زربی به داود بن رزین (باب ۳ بخش ۳ حدیث ۳۴)، حسین بن محمد به حسن بن محمد (همانجا حدیث ۳۶)، زهیر به زبیر(باب ۴ بخش ۱ حدیث ۱) و موسی بن مهران به موسی بن عمران (باب ۴ بخش ۱ حدیث ۸۸) تصحیف شده اند و زمانی به روایاتی برمیخوریم که

نتایج مقاله

۱- بحرانی احادیث رسیده در هر موضوع را جمع آوری کرده، سپس ابواب متعددی برای آنها ایجاد کرده و بعد از انتخاب عنوانی برای هر باب، روایات را در باب مخصوص خود جای داده است. آوردن اسناد مختلف ذیل یک روایت یا نقل یک مضمون با الفاظ متفاوت سبب تواتر اجمالی روایات گشته است. مشخص کردن موارد تقطیع را می توان از دیگر امتیازات کتاب نام برداشت.

۲- وی به منظور آگاهی از متن حدیث به نسخ دیگر اعتنا کرده و در موارد متعددی به بیان واژگان و شرح آنها با استناد به منابع معتبر می پردازد و از شرح کنایات و بکار گرفتن علوم ادبی غافل نبوده است. بحرانی با تأمل در مفاد احادیث به بیان معانی روایات پرداخته و ضمن شرح حدیث به اقوال علماء و دیگر روایات اشاره داشته و تلاش خود را به منظور جلوگیری از برداشت های نادرست از احادیث بکار برده و پژوهشگر را به معانی مورد نظر نزدیک کرده است.

۳- در بررسی انجام شده از جهت راویان و متن احادیث به این نتیجه رسیدیم که نود و شش حدیث از احادیث کتاب، مسند بوده و زنجیره سند تا معصوم متصل می باشد که این امر سبب

گونه شناسی روش بحرانی در حدیث نگاری عوالم العلوم با تکیه بر جلد بیست و دو // ۱۱۵
می گردد عمدۀ روایات کتاب داخل در احادیث صحیح شود لکن احادیث مرسّل، موقوف،
مهمل و مصحف نیز در کتاب مشاهده می شود.

- ۱- قرآن کریم
- ۲- امین، محسن، اعيان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۸م.
- ۳- بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم والمعارف والاحوال، قم: مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۱۱ق.
- ۴- برقی، الرجال، بی جا، بی تا.
- ۵- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق - ۱۹۸۳م.
- ۶- التعريف بالتراث، نشریه الهادی، شماره ۷، فروردین ۱۳۵۲ش.
- ۷- حسینی، سید احمد، تلامذه العلامه مجلسی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
- ۸- خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات و الروايات، بی جا، ۱۴۱۳ق.
- ۹- شهید ثانی، زین الدین، الرعایه فی علم الدرایة، قم: مکتبه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۸ق.
- ۱۰- شانه چی، کاظم، علم الحديث و درایه الحديث، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ق.
- ۱۱- طوسی، محمد بن الحسن، الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- ۱۲- مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة، قم: آل البيت، ۱۴۱۱ق.
- ۱۳- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
- ۱۴- مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳ش.
- ۱۵- مهدوی، مصلح الدین، زندگی نامه علامه مجلسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸ش.
- ۱۶- نوری، حسن، الفیض القدسی فی ترجمه العلامه مجلسی فی بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- ۱۷- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.